

تأثیر تقریرات نوین برهان غایت‌شناختی بر آنتونی فلو

دکتر نوگس نظرزاد*
فاطمه احمدی شکوهی**

چکیده

آنتونی فلو یکی از چهره‌های الحادی جهان معاصر است که به اقامه برهان علیه وجود خداوند معروف است؛ از این رو، ادبار او از موضع الحادی برای جامعه دینی حائز اهمیت است، همین امر سبب شده است تا محققان در نوشتار حاضر در پی یافتن پاسخی برای این پرسش باشند که چه عاملی موجب تغییر مواضع آنتونی فلو شده است؟ فرضیه اصلی این است که تقریرهای نوین برهان غایت‌شناختی که بر یافته‌های جدیدی در حوزه زیست-شناسی مبتنی است، به خصوص یافته‌های مربوط به DNA، عامل اصلی تغییر مواضع آنتونی فلوست. البته در خلال تحقیق نشان داده می‌شود که فلو تنها توانسته است تا مرحله خداشناسی عقلانی {طبیعی} یعنی نوعی خداشناسی ارسطویی که ناشی از ضرورت عقلی است، گام بردارد و هنوز تا دستیابی به خدا باوری و حیانی راه درازی پیش رو دارد. واژگان کلیدی: برهان غایت‌شناختی، آنتونی فلو، دی.ان.ای. خداشناسی عقلانی.

مقدمه

براهین زیادی برای اثبات وجود خداوند اقامه شده است. یکی از براهینی که ما در نوشتار حاضر از منظری خاص به آن پرداخته‌ایم، برهان غایت‌شناختی است. این برهان دارای عناوین دیگری از قبیل برهان از طریق طرح و برهان طرح هوشمند نیز هست که ما در نوشتار حاضر به

nazarnejad@alzahra.ac.ir
fatemeh Ahmadi@gmail.com

تاریخ پذیرش: 89/10/1

* استادیار گروه فلسفه دانشگاه الزهرا
** کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی
تاریخ دریافت: 88/5/15

تناسب مطالب ذکر شده، برای اشاره به این برهان از عناوین فوق استفاده کرده‌ایم. شکل یا به عبارتی فرمول ساده این برهان عبارت است از:

1. جهان دارای نظم است؛

2. هر نظامی دال بر وجود ناظمی است؛

3. پس جهان دارای ناظمی است.

تأکید ما در نوشتار حاضر چنان‌که از نامش پیداست، بیشتر بر تقریرهای نوین و قوت آنها در مقایسه با تقریرهای سنتی است. در واقع اینکه این تقریرها توانسته‌اند موضع فیلسوف ملحد معاصر انگلیسی آنتونی فلو (Antony Flew) را که سال‌ها به عنوان یکی از برجسته‌ترین فلاسفه ملحد شناخته می‌شد، تغییر دهند، خود نشان دهنده قوت این تقریرها نسبت به تقریرهای سنتی است که در واقع هدف ما نیز در این نوشتار به تصویر کشیدن و صحه گذاشتن بر این قوت-هاست.

ما در نوشتار حاضر، ابتدا به ذکر توضیح مختصری در مورد تقریرهای سنتی پرداخته‌ایم. سپس پیش از بیان تقریرهای نوین، برخی از خصیصه‌های این تقریرها را ذکر کرده‌ایم چرا که این امر قوت این تقریرها نسبت به تقریرهای سنتی را روشن‌تر می‌کند. سپس از آنجا که نظریه تکامل تدریجی داروین راه را برای ظهور تبیین‌های رقیب دیگری برای نظم‌مندی عالم باز کرد و همچنین از آنجا که بسیاری از تقریرهای نوین برهان غایت‌شناختی در پی رد و روشن کردن ضعف‌های نظریه داروین هستند، به ذکر برخی توضیحات در مورد این نظریه پرداخته‌ایم. سپس با توجه به اینکه یکی از تقریرهای نوین بر اساس اطلاعات زیست‌شناختی اقامه شده است و فهم آن منوط به داشتن اطلاعاتی در مورد برخی از اجزای سلول از جمله اسیدهای نوکلئیک (DNA و RNA) است، به بیان مطالب فوق که در حوزه علم زیست‌شناسی و بیوشیمی قرار دارند، پرداخته‌ایم. در نهایت، پس از ذکر مطالب مقدماتی فوق، به بیان تقریرهای نوین برهان غایت‌شناختی، از جمله برهان تنظیم ظریف، برهان از طریق پیچیدگی زیست‌شیمیایی کاهش ناپذیر، برهان از طریق پیچیدگی خاص و برهان از طریق اطلاعات زیست‌شناختی، از زبان برخی از فیلسوفان و عالمان علوم تجربی معاصر پرداخته‌ایم و سرانجام تغییر مواضع آنتونی فلو و دلایل آن را بررسی کرده‌ایم.

چنان که می‌دانیم برهان نظم همواره، چه در گذشته و چه در عصر حاضر، در معرض انتقادات گوناگونی قرار گرفته است، اما با توجه به هدف مقاله حاضر که بررسی تأثیر تقریرهای نوین برهان غایت‌شناختی بر آنتونی فلوس، تنها به ذکر انتقادات وی بر تقریرهای سنتی برهان غایت‌شناختی بسنده می‌کنیم.

تقریرهای سنتی برهان غایت‌شناختی

تقریرهای سنتی در اکثر آثار از زبان اندیشمندان یونان باستان از جمله سقراط، افلاطون و سیسرون، اندیشمندان قرون وسطی از جمله توماس آکوئیناس و اندیشمندان پس از این دوره تا قرن نوزدهم از جمله ویلیام پیلی، اسحاق نیوتن و اف. آر. تنانت ذکر شده است. اکثر اندیشمندان یونان باستان، تقریر روشنی از این برهان ارائه نکرده‌اند، ولی از فحوای برخی سخنان و اعتقادات آنان می‌توان ارتباط نظم حاکم بر طبیعت را با مبدأ ذی شعور و غایتمند استنباط کرد (دیلمی، ص 19). در قرون وسطی برهان غایت‌شناختی بیشتر بر قیاس تمثیلی مبتنی بوده است و اکثر اندیشمندان از طریق مقایسه زیبایی‌های عالم طبیعت با آثار هنری زیبای ساخته دست بشر، وجود خالقی شبیه خالق آن آثار را برای زیبایی‌های طبیعت اثبات می‌کردند. پس از قرون وسطی در قرون 16 تا 19 برهان غایت‌شناختی همچنان مبتنی بر قیاس تمثیلی بود، ولی اندیشمندان این دوره به دلیل پیشرفت علم و ساخته شدن ماشین‌های بسیار پیچیده توسط انسان برای اثبات وجود خداوند، او را با سازندگان ماشین‌ها قیاس می‌کردند. از جمله این تقریرها می‌توان به برهان غایت‌شناختی مبتنی بر قیاس خالق با ساعت‌ساز، برهان غایت‌شناختی مبتنی بر اکتشافات علمی و برهان غایت‌شناختی بر مبنای تکامل تدریجی هدایت شده، اشاره کرد. در اینجا برای اجتناب از اطالۀ کلام و تأکید بیشتر این نوشتار بر تقریرهای نوین از ذکر تقریرهای سنتی اجتناب می‌کنیم.

نقد‌های آنتونی فلو

پیش از بیان انتقادات آنتونی فلو (1923) لازم است خاطر نشان کنیم که فلو

بینه‌گراست (Evidentialist) و عدم اعتقادش به خداوند به دلیل فقدان بینه است نه به خاطر اینکه عدم وجود خداوند قابل اثبات است (Flew, p. 20-21, 169-172). چنان‌که در کتاب *God and Philosophy*¹ آورده است:

اگر کسی مایل به فهم حقیقت باشد باید وضعیت‌های مخالف را در قوی‌ترین شکل آنها بررسی کند (ibid, p.20).

الف. نقد اول

این برهان، برهان از طریق طرح (Argument from Design) نیست، بلکه برهان برای طرح (Argument to Design) است. در واقع این براهین باید براهین برای طرح باشند یعنی اثبات اینکه آیا نظم یا پیچیدگی در جهان باید به وجود آورنده طرح باشد، را در نظر داشته باشند، نه اثبات اینکه آیا طرح موجود در جهان مستلزم طراحی آن توسط فردی است؛ زیرا با فرض پذیرش اینکه چیزی مصنوع است، بلافاصله و به نحو ضروری طراح یا طراحی برای آن اثبات می‌شود. بنابراین آنچه در این براهین باید مورد بحث باشد، این است که آیا اشیا در حقیقت مصنوع هستند؟ (Himma; <http://www.iep.utm.edu/design>) و برای اطلاع بیشتر رک. (<http://www.philosophyofreligion.info/teleological.html>).

به نظر می‌رسد که این انتقاد فلو وارد است، زیرا اگر شما پذیرفتید که در عالم طرح وجود دارد، وجود طراح به نحو تحلیلی از آن نتیجه می‌شود. طرح یعنی چیز دارای طراح؛ پس کار شما در این برهان باید اثبات طرح باشد، یعنی اثبات اینکه برنامه‌ریزی هوشمندانه‌ای در عالم وجود دارد. اگر این امر ثابت شود، وجود طراح ضرورتاً اثبات می‌شود.

ب. نقد دوم

بسیار نامناسب است که از طریق اشاره به نمونه‌هایی که تصور می‌شود ساخته شده هستند (همچون برهان پیلی) امید آشکار شدن وجود قدرتی مطلق را داشته باشیم. هرچند با مشاهده چشم بشر یا سلول منفرد بجاست که احساس ابهت کنیم، ولی با وجود این مبهوت‌کنندگی بهره جستن از محدودیت‌ها و ظرفیت‌های اشیای مادی زمینه مناسبی برای استنتاج قدرت مطلق در اختیار ما قرار نمی‌دهد. قدرت مطلق به معنای دقیق کلمه نه می‌تواند

به وسیله قوانین امکانی محدود شود و نه نیاز دارد با به کار گرفتن ابزارهای امکانی اهدافش را تأمین کند (Flew, p.72- 73).

ج. نقد سوم

نقص دیگر موجود در برهان آکوئیناس این است که هیچ دلیلی برای استنتاج موجود هدفدار یگانه فراهم نمی کند (ibid).
می توان گفت که این انتقاد فلو به برهان آکوئیناس وارد نیست، چرا که این برهان قصد اثبات واحد بودن خداوند را ندارد.

تقریرهای نوین برهان غایت شناختی

در ادامه مطالب ذکر شده در مورد تقریرهای سنتی، در اینجا پیش از بیان تقریرهای نوین، به دلیل آشنایی بیشتر با این تقریرها و شناخت برخی تفاوتها و شباهتها میان تقریرهای سنتی و نوین به تفصیل به ذکر برخی از خصیصه‌های این تقریرها می پردازیم. سپس از آنجا که فهم بهتر این تقریرها وابسته به دانستن مطالبی در مورد نظریه تکامل تدریجی داروین و برخی از اجزای سلول از جمله اسیدهای نوکلئیک (DNA و RNA)، اسیدهای آمینه و پروتئین هاست؛ به ذکر توضیحاتی در مورد آنها می پردازیم.

الف. خصیصه‌های تقریرهای نوین برهان غایت شناختی

خصیصه اول: تقریرهای نوین این برهان بیشتر با عنوان براهین طرح هوشمند (Intelligent Design Arguments) شناخته می شوند. در مورد مفهوم طرح هوشمند باید بگوییم که با دقت در تقریرهای سنتی روشن می شود که این مفهوم، برخلاف اصطلاح آن جدید نیست، چرا که اقامه کنندگان تقریرهای سنتی نیز در پی اثبات طراح یا خالق طبیعی یا فراطبیعی هدفمند برای پیچیدگی طبیعت بوده اند. بنابراین در تقریرهای سنتی برهان غایت شناختی هم این مفهوم وجود دارد.

(Himma و برای اطلاع بیشتر رک. http://en.wikipedia.org/wiki/Intelligent_design).

خصیصه دوم: اکثر تقریرهای نوین این برهان یا به عبارت دیگر براهین طرح هوشمند در چارچوبی این جهانی - غیر دینی - اقامه شده اند و عمده‌آز تعیین هویت فاعل هوشمند اجتناب

می‌کنند و فقط به بررسی معلول‌ها و آثار آن می‌پردازند. در واقع به اعتقاد طرفداران طرح هوشمند، هر چند این نظریه (طرح هوشمند)، به طبیعت علت یا فاعلی هوشمند غیر قابل مشاهده مستقیم اشاره می‌کند، ولی معلول‌های آن قابل مشاهده و شناسایی هستند (*ibid*). البته ذکر دو مطلب در اینجا ضروری به نظر می‌رسد:

اولاً، هر چند این براهین صراحتاً طراح را خدا نمی‌نامند، ولی اغلب مداخله طراح در جهان را به شیوه‌ای فرض می‌کنند که فقط خدا می‌تواند به آن شیوه در جهان مداخله کند.

ثانیاً، هر چند این براهین سعی در شناسایی یا نامگذاری طراح ندارند، ولی اغلب اقامه کنندگان و طرفداران آنها طراح را خدای ابراهیمی یا خدای مسیحی می‌دانند؛ طرفداران نخستین طرح هوشمند اعم از مسیحی و غیر مسیحی، معتقدند که طراح خدای ابراهیمی است و بسیاری از طرفداران مسیحی جدید طرح هوشمند، طراح را خدای مسیحی می‌دانند. از جمله این طرفداران مسیحی می‌توانیم به فیلیپ ای. جانسن، ویلیام ای. دمسکی، استفان سی. می‌یر و میشل به اشاره کنیم (*ibid*).

خصیصه سوم: براهین طرح هوشمند در واقع در اکثر موارد جانشین تبیین‌های طبیعی بسط حیات به خصوص تبیین‌های بر حسب نظریه تکامل داروین محسوب می‌شوند و در مقابل نظریه‌هایی که سعی دارند زندگی را از طریق فرایندهای قابل مشاهده‌ای مثل جهش (موتاسیون) و انتخاب طبیعی تبیین کنند، قدرافراشته‌اند. در واقع بسیاری از طرفداران و اقامه‌کنندگان این براهین سعی دارند با بیان ضعف‌های نظریه تکامل داروین به عنوان تبیینی برای وجود نظم در عالم، تبیین از طریق طرح هوشمند را محتمل‌ترین تبیین تلقی کنند. آنان احتجاج می‌کنند که تبیین‌های طبیعی نمی‌توانند برخی از پدیده‌ها را تبیین کنند و همچنین وجود سیستم‌های بسیار پیچیده، دال بر طراحی شدن جنبه‌هایی از زندگی است. به اعتقاد آنان طرح هوشمند نظریه‌ای علمی است که می‌تواند همپا یا حتی بهتر از نظریه‌های علمی دیگر قلمداد شود. بنابراین امروزه طرح هوشمند، به عنوان بسط نوین الهیات طبیعی در پی تغییر مبانی علم و تضعیف نظریه تکامل است (*ibid*).

خصیصه چهارم: براهین طرح هوشمند بیشتر مبتنی بر پیشرفت‌های علمی نوین هستند. برخی از آنها به دنبال نشانه‌های وجود طرح در فیزیک هستند و سعی دارند با نشان دادن این امر که جهان دقیقاً همان‌گونه است که باید باشد (یعنی منظم) وجود طرح در جهان و به دنبال آن وجود

طراح را اثبات کنند، چنانکه تقریرهایی از این برهان تحت عنوان براهین تنظیم ظریف یا جهان ظریف تنظیم شده بدین گونه هستند و برخی از آنها هم در قلمرو علم زیست‌شناسی و بیوشیمی بوده و بر اساس پیچیدگی کاهش ناپذیر، پیچیدگی خاص و اطلاعات زیست‌شناختی شکل گرفته‌اند.

خصیصه پنجم: تقریرهای نوین (براهین طرح هوشمند) هر چند از نظر ساختار تفاوت چندانی با تقریرهای سنتی ندارند ولی آنها تفاوت‌هایی نیز با هم دارند. در واقع سیستم‌های پیچیده حاکی از وجود یک طراح هستند - چنان‌که در تقریرهای سنتی نیز امر به همین منوال بود - ولی مثال‌هایی که به عنوان شاهد طرح در این دو تقریر مورد استفاده قرار می‌گیرند، متفاوتند. در تقریرهای سنتی چشم و بال پرندگان به کار می‌رفتند و در تقریرهای نوین بیشتر مثال‌های بیوشیمیایی از قبیل عملکردهای پروتئینی، انعقاد خون و تازک و... به کار می‌روند (همانجا).

تقریرهای نوین بر خلاف تقریرهای سنتی که غالباً مبتنی بر تمثیل بودند، مبتنی بر استقراء هستند. شکل استقرایی این براهین مشروط به آن است که مجالی برای یافتن بهترین تبیین داده‌ها فراهم باشد و تبیین مبتنی بر اعتقاد به خداوند در همان بادی امر مردود نشود. در واقع برهان غایت‌شناختی مبتنی بر استقراء نمی‌پرسد: «چه کسی آمیب یا فیل را به وجود آورده است؟» بلکه می‌پرسد: «چگونه می‌توان نظام یکپارچه‌ای را که از سادگی به سوی پیچیدگی، از فقدان حیات به سوی حیات و سپس به سوی حیات ذی شعور تکامل یافته است، تبیین کرد؟» بنابراین هر یک از اقامه‌کنندگان این تقریرها قصد دارند به شیوه‌ای نشان دهند که معقول‌ترین فرضیه تبیین‌کننده داده‌ها، فرضیه‌ای است که قائل به وجود خداوند است (پترسون و دیگران، ص 156 و 162-161).

ب. نظریه تکامل تدریجی داروین

چارلز داروین (1809-1882) دانشمند و زیست‌شناس انگلیسی که در سال 1859 با انتشار کتاب منشأ انواع (*The Origin Of Species*) مشهور شد، نظریه تکامل تدریجی را به جهان عرضه کرد.

خلاصه نظریه تکامل داروین عبارت از این است که وقتی بین افراد گونه‌ای رقابت درمی‌گیرد، آنهایی که می‌توانند بهتر از امکانات و شرایط بهره بگیرند باقی مانده و بالتبع بیشتر تولید مثل می‌کنند. آنها خصایص خود را به فرزندانشان منتقل می‌کنند، این امر در نسل‌های متوالی تکرار شده و به این ترتیب گونه‌ها به تدریج تغییر می‌کنند تا با محیط خود سازگار شوند. در این نظریه ظاهراً عامل جهش (موتاسیون) نقش اساسی دارد (داروین، ص 119-116 و خرمشاهی، ص 84-85 و فرامرز قراملکی، ص 47-46).

ج. DNA و چگونگی انتقال اطلاعات

همه موجودات زنده جهت تولید مثل و حفظ خود طی دوران حیات خود، مجهز به ابزاری هستند که حافظ و ناقل اطلاعات ذاتی موجودات زنده بوده و حفظ و استمرار بقای نسل آنها را ممکن می‌سازد. عوامل و موادی که این امر را میسر می‌سازند، موضوع بحث ما در اینجا است. شاید شگفت‌انگیزترین واقعیت در جهان هستی این است که تمام موجودات زنده امروزی جهان، با وجود تنوع و کثرت، دارای ویژگی‌های مشخص مشترکی می‌باشند، از جمله اینکه آنها از حیث ساختار و انجام وظیفه به یک سلول یا بیشتر و همچنین به تولیدات سلولی نیازمند هستند (یزدی، ص 23 و 26).

سلول‌ها از نظر اندازه و پیچیدگی طیف بسیار متنوعی دارند که از یک سلول ریز نسبتاً ساده نظیر باکتری گرفته تا سلول نسبتاً بزرگ و پیچیده تخم مرغ خانگی یا شترمرغ را در بر می‌گیرد. سلول‌ها دارای اجزای مختلفی از جمله سیتوپلاسم، میتوکنندری در سلول‌های سبز (گیاهان) کلروپلاست، کروموزوم و ... می‌باشند. علاوه بر هسته، یک یا چند کروموزوم در میتوکنندری‌ها یا کلروپلاست‌ها هم وجود دارند. سلول‌هایی که حاوی هسته هستند هسته‌دار یا یوکاریوتیک و موجودات زنده‌ای را که متشکل از سلول‌های هسته‌دار می‌باشند، موجودات یوکاریوت می‌نامند. سلول‌هایی که فاقد هسته هستند (یعنی کروموزوم‌ها با غشای هسته محدود نشده‌اند)، پروکاریوتیک نامیده می‌شوند. همچنین این سلول‌ها شبکه اندوپلاسمی (اندوپلاسمیک رتیکولوم)، میتوکنندری و کلروپلاست ندارند. همه انواع موجودات زنده پروکاریوت تک سلولی هستند، اما موجودات یوکاریوت این گونه نیستند، بلکه برخی مثل

پرتوزوئرها از جمله آمیب، تک سلولی‌اند و برخی دیگر نظیر نوع انسان از میلیاردها سلول تشکیل شده‌اند.

سلول‌ها علاوه بر ویژگی‌های مشترک در شکل و ساختمان، در وظایف خود نیز ویژگی‌های مشترکی دارند. سلول‌ها با جذب مواد خام و انرژی از محیط خود و همچنین به کار بردن آن موجودیت خود را حفظ کرده، رشد کرده، تقسیم شده و سلول‌های بیشتری تولید می‌کنند. بنابراین همه موجودات زنده امروزی از نظر ظرفیت و توان در انجام دو وظیفه بنیادی اشتراک دارند و از دیگر پدیده‌ها متمایز می‌شوند. این دو وظیفه عبارت‌اند از:

1. ظرفیت و توان جهت حفظ خود، شامل رشد، جا به جایی و یا تعمیر و ترمیم قسمت‌هایی از موجود.

2. تولیدمثل خود، یعنی ساختن تعداد بیشتری از نوع خود (همان، ص 30-26).

سه نوع مولکول بزرگ در سلول هستند که معمولاً فقط در موجودات زنده ترکیب و تولید می‌شوند که عبارت‌اند از: پولی ساکاریدها، پولی پپتیدها و پولی نوکلئوتیدها. پولی نوکلئوتیدها، اسیدهای نوکلئیک نامیده می‌شوند و در همه موجودات زنده یافت می‌شوند و عمدتاً دو نوع هستند:

1. پولی ریبو نوکلئوتید یا اسید ریبو نوکلئیک (RNA)؛

2. پولی دی اکسی (یا دزاکسی) ریبو نوکلئوتید یا اسید دی اکسی ریبو نوکلئیک (DNA).

از میان این سه مولکول بزرگ، تنها پولی نوکلئوتیدها در حفظ صفات و انتقال آنها به نسل‌های بعد تعیین کننده بوده و نقش دارند.

اسیدهای نوکلئیک (DNA و RNA)

شناخت اسیدهای نوکلئیک به یک قرن پیش برمی‌گردد، ولی اطلاعات به دست آمده در مورد ساختمان آنها طی همین چند دهه اخیر کشف شده است.

ساختمان DNA: مولکول DNA معمولاً از دو زنجیره‌ای که به طور موازی به هم پیوند خورده‌اند، تشکیل شده است. در واقع یک مارپیچ دو رشته‌ای است که به یک نردبان شباهت

دارد. در این نردبان پایه‌های جانبی از اتصالات متناوب فسفات‌ها و قندها ساخته شده‌اند. پله‌های نردبان که به وسیله پیوندهایی به قندها وصل هستند، از چهار نوع صفحات مربع مستطیل در دو اندازه تشکیل شده و طوری به هم متصل هستند که عرض همه پله‌های نردبان، در سرتاسر طول آن مساوی یکدیگر هستند. ترکیب شیمیایی پله‌ها دو نوع هستند. در یک نوع آن دو باز آلی آدنین (A) و تیمین (T) توسط دو هیدروژن به هم پیوند خورده‌اند، در نوع دیگر هم دو باز آلی سیتوزین (C) و گوانین (G) توسط سه هیدروژن به هم متصل شده‌اند (یزدی، ص 56-55؛ امتیازی، کریمی، ص 7). در واقع به دلیل وجود گروه‌های شیمیایی روی بازهای A, T, C و G پیوندهای هیدروژنی مناسب فقط بین A و T, C و G برقرار می‌شود و ایجاد پیوند بین TG, CA امکان ندارد (امتیازی، ص 7؛ یزدی، ص 56).

ساختار RNA: مولکول RNA برخلاف DNA که ساختمان مارپیچ دو رشته‌ای دارد، معمولاً یک رشته‌ای و تقریباً صاف و بدون تاخوردگی یا به صورت کلاف است. در این مولکول هم چهار نوکلئوتید یا باز آدنین، گوانین، سیتوزین و اوراسیل (u) وجود دارد. در درون سلول انواع مختلف RNA وجود دارد که هر کدام عمل خاصی را انجام می‌دهند. از جمله آنها می‌توانیم به mRNA، tRNA و rRNA اشاره کنیم (امتیازی، ص 28 و 78؛ یزدی، ص 75؛ آسیموف، ص 18).

ماده یا عامل ژنتیک در موجودات زنده

موجودات زنده (از جمله ویروس‌ها) در سطح مولکول‌های بزرگ، به امکاناتی نیازمندند که نه تنها باید تأمین شوند، بلکه لازم است در تمام طول مدت زندگی موجود دوام داشته باشند، در نسل‌های بعدی موجود تکرار شوند، در موجودات زنده متفاوت، متفاوت باشند و در نهایت حاوی اطلاعات مورد نیاز برای سنتز اسیدهای نوکلئیک مشخص و معین باشند. آن عامل یا ماده‌ای که حتماً باید حاوی اطلاعات و رهنمودهایی برای پیدایش یک موجود زنده باشد، ماده یا عامل ژنتیک یا وراثت نامیده می‌شود (یزدی، ص 36).

امروزه ثابت شده که اسیدهای نوکلئیک عامل یا ماده ژنتیک هستند. در برخی ویروس‌ها RNA و در برخی DNA ماده ژنتیک است و همچنین در موجوداتی که هر دو مولکول را دارند، همیشه یا تقریباً در همه موارد، DNA ماده ژنتیک است. در DNA که در بیشتر

موجودات زنده ماده ژنتیک است، محل قرار گرفتن چهار باز آلی آدنین، سیتوزین، گوانین و تیمین (A, C, G, T) که در پله‌های نردبانی آن وجود دارند، یکسان نیست و به دلیل همین اختلاف جزئی، انواع و اقسام موجودات روی زمین به وجود آمده‌اند. تمام وظایف یک موجود زنده با همین زبان متشکل از این چهار حرف نوشته شده است و حتی در اندام‌های یک موجود زنده بخصوص، دستورهایی که به کمک این چهار حرف نوشته شده، با دستورهای نوشته شده عضو دیگر متفاوت است (صمدی، ص 170-169).

بسیاری از اختلافات ژنتیکی در درون یک نوع موجود زنده به اختلاف ترتیب بازهای آلی در اسید نوکلئیک ماده ژنتیک آنها مربوط است. در واقع نهایتاً ترتیب بازهای آلی در زنجیره اسید نوکلئیک ژنتیک، تعیین کننده ماهیت اطلاعات و یا رموز ژنتیک موجودات زنده می-باشد (یزدی، ص 82-77).

براهین جهان ظریف تنظیم شده² یا براهین تنظیم ظریف

این براهین بر اصل انسان محوری (Anthropic) مبتنی هستند. در واقع اصل انسان محوری از تعادل آشکار شرایط لازم برای زندگی بشر مشتق می‌شود. اقامه کنندگان براهین تنظیم ظریف که بر مبنای اصل فوق شکل گرفته‌اند، احتجاج می‌کنند که این تنظیم ظریف جهان غیر محتمل است و از این رو طراحی شدن آن توسط طراحی هوشمند را محتمل تر از تصادفی دانستن آن می‌دانند (http://en.wikipedia.org/wiki/Teleological_argument).

برهان از طریق امور غیر محتمل شک برانگیز³ (برهان جورج ان. شلزینگر)

برای فهم بهتر برهان شلزینگر (1946)، عکس العمل خود را نسبت به حادثه زیر در نظر بگیرید، فرضاً اگر فردی در بازی قمار یک میلیارد برنده شود، شما فوراً نتیجه نمی‌گیرید که او ممکن است تقلب کرده باشد، ولی اگر او به طور پی در پی در سه بازی قمار یک به هزار برنده شود، ممکن است چنین نتیجه‌ای بگیرید. شلزینگر بر این باور است که واکنش ما نسبت به این دو حادثه از نظر معرفت شناختی موجه است. در واقع خوش شانسی جان در سه قمار پی در پی، مبین این است که برنده شدن او نتیجه مطلوب عمل هوشمندانه شخصی بوده است و اذعان می‌کند که به رغم تساوی احتمال وقوع این دو حادثه، حادثه دوم یعنی برنده شدن پی در پی به

گونه‌ای است که شگفت‌انگیز بوده و تعجب انسان را برمی‌انگیزد به طوری که مقتضی استنباط طرحی هوشمند است.

وی این گونه احتجاج می‌کند که این دو امر یعنی اینکه جهان برای زندگی خیلی خوب تنظیم شده و اینکه جان در سه قمار پی در پی برنده شده، به یک اندازه غیر محتمل هستند. در ادامه اذعان می‌کند که ما فقط در یک بازی قمار کیفیت (Property - lottery game) خوش شانس نبودیم، بلکه در تعداد زیادی از این قمارها خوش شانس بوده و برنده شدیم، قمارهایی که برای زندگی در این دنیا باید در آنها پیروز می‌شدیم. حال با توجه به اینکه ما در مورد برنده شدن جان در سه قمار پی در پی، موجه‌ایم، طرح هوشمند را نتیجه بگیریم، در مورد برنده شدنمان در تعداد زیادی قمارهای کیفیت بسیار غیر محتمل، موجه‌تر هستیم که طرح هوشمند را استنباط کنیم. بدین ترتیب، شلزینگر نتیجه می‌گیرد که محتمل‌ترین تبیین برای این امر که جهان دقیقاً کیفیاتی را دارد که می‌تواند زندگی را تداوم ببخشد، این است که خدایی هوشمند با قصد قبلی جهان را دقیقاً همان جوری آفریده است که بتواند زندگی را تداوم ببخشد (Himma).

برهان تصدیقی⁴ (برهان رایین کالینز)

کالینز فیلسوف امریکایی از تقریر ساده‌تری از برهان تنظیم ظریف حمایت می‌کند که بر آنچه وی آن را اصل نخستین تصدیق (The Prime Principle of Confirmation) می‌نامد، متکی است. این تقریر بدین شرح است: اگر مشاهده O بر اساس فرض H_1 محتمل‌تر از مشاهده آن بر اساس فرض H_2 باشد، پس O دلیلی برای ترجیح H_1 به H_2 فراهم می‌کند، بنابراین همین که این مشاهده بر اساس فرض H_1 محتمل‌تر است تا فرض H_2 ، همین امر بین‌ای است به نفع H_1 . این تقریر تحت دو فرض پیش می‌رود:

1. خدایی وجود دارد که جهان را آن‌چنان آفریده که زندگی را تداوم ببخشد (یعنی فرض طرح)؛

2. جهانی مادی وجود دارد و اینکه جهان کیفیاتی دارد که حیات را تداوم می‌بخشد، صرفاً یک شانس است (یعنی فرض تنها جهان الحادی) - (The Atheistic Single- Universe Hypothesis).

اگر بپذیریم که فرض اول درست است در این صورت احتمال اینکه جهان دارای کیفیات ظریف تنظیم شده باشد، بیشتر است. ولی اگر فرض دوم را درست بدانیم در این صورت آن احتمال خیلی کم می‌شود (البته چقدر کم بودن آن دقیقاً روشن نیست). کالینز با به کارگیری اصل نخست نتیجه می‌گیرد که مشاهده کیفیات ظریف تنظیم شده، دلیلی برای ترجیح فرض طرح بر فرض تنها جهان الحادی فراهم می‌سازد. توجه به این مطلب بسیار حائز اهمیت است که کالینز این برهان را به عنوان دلیلی برای اثبات وجود خداوند، در نظر نگرفته است، بلکه به عقیده او اصل نخستین تصدیق، یک اصل کلی استدلال است که می‌گوید چه وقت یک مشاهده، به عنوان بینه‌ای به نفع یک فرض نسبت به فرض دیگر به حساب آورده می‌شود. در واقع او به وضوح اذعان می‌کند که این برهان درصدد اثبات این نیست که جهان طراحی شده یا حتی اینکه محتمل است طراحی شده باشد، بلکه فقط به ما می‌گوید که مشاهده تنظیم ظریف دلیلی است بر اینکه فرض خدا باوری را بیشتر از فرض تنها جهان الحادی بپذیریم (ibid).

برهان تنظیم ظریف (برهان ریچارد سوئین برن)

سوئین برن (1934)، فیلسوف دین برجسته معاصر، سه برهان ارائه کرده که جزء تقریرهای نوین برهان غایت‌شناختی محسوب می‌شوند. ما در اینجا برهان تنظیم با دقت را ذکر می‌کنیم.

برهان از طریق تنظیم ظریف: همه شرایط اولیه یا قوانین طبیعت به وجود اجسام انسانی در جهان منجر نمی‌شوند. بنابراین اگر قوانین و شرایط اولیه به گونه‌ای باشند که اجازه تکامل اجسام انسانی را بدهند، در این صورت می‌توان گفت که جهان، برای تکامل آنها ظریف تنظیم شده است و این امر هم تنها در صورتی محقق می‌شده که مقادیر ثابت قوانین جهان و مقادیر متغیر شرایط اولیه آن، در قلمروهای محدود قرار می‌گرفته‌اند. در واقع اگر تنها قلمرو بسیار محدودی از این قوانین و شرایط اولیه اجازه چنین تکاملی را بدهند، می‌توان گفت که جهان، برای این تکامل ظریف تنظیم شده است. به عبارت بهتر اگر قوانین بنیادی و شرایط اولیه آن طور که تصور می‌شود، قوانین نظریه کوانتوم و نظریه نسبیت با چهار نیرو (نیروی هسته‌ای قوی، نیروی هسته‌ای ضعیف، نیروی الکترومغناطیس و نیروی جاذبه) باشند که بر مجموعه اساسی ذرات بنیادی (فوتون ها، لپتون ها، بانضمام الکترون ها، مزون ها و بایرون ها، بانضمام پروتون ها و

نوترون‌ها) که سوئین برن آن را نظریه استاندارد می‌نامد) و شرایط اولیه‌ای چون سرعت، فشردگی و ایزوتروپی ماده - انرژی جهان بلافاصله بعد از زمان بیگ بنگ، حاکم باشند و اگر اینها در روش‌های متعارف اندازه‌گیری شوند، در این صورت جهان، ظریف تنظیم شده است (Swinburne, p.172). در واقع مقصود سوئین برن از جای گرفتن مقادیر ثابت و متغیر شرایط اولیه در قلمروهای محدود این است که آنها با هم نسبت خاصی داشته باشند و قدرت نیروهای چهارگانه افزایش یا کاهش نیابد

برهان از طریق پیچیدگی زیست شیمیایی کاهش ناپذیر⁵ (برهان میشل جی به) پیچیدگی کاهش ناپذیر در زمینه طرح هوشمند به وسیله میشل جی به (1952)، زیست شیمیادان آمریکایی، مطرح شد. او پیچیدگی کاهش ناپذیر را این گونه تعریف می‌کند: یک سیستم منفرد متشکل از چندین جزء به هم پیوسته و بسیار منظم که همه با هم در انجام کار همکاری دارند و در این سیستم جابه‌جایی یا نبود هر جزء موجب توقف کار می‌شود.

در واقع به، برهان خود را به گونه‌ای ساماندهی می‌کند که نشان دهد نظریه تکامل تدریجی داروین نمی‌تواند تبیین کاملی برای سیستم‌هایی باشد که دارای پیچیدگی کاهش ناپذیر هستند. سیستم‌هایی که دارای چنین پیچیدگی هستند، در صورت نبود یا جابه‌جایی حتی یکی از اجزای سازنده خود، قادر به ادامه فعالیت و انجام کار خود نیستند. به، برای روشن شدن این مفهوم، تله موش را به عنوان نمونه ذکر می‌کند. تله موش دارای قطعات به هم پیوسته‌ای است، مثل پایه، قفل، فنر و... همه این قطعات باید سر جای خود باشند تا تله موش به درستی کار خود را انجام دهد. اگر حتی یکی از آنها حذف یا جابه شود، تله موش قادر نیست کار خود را انجام دهد. تعدادی از این سیستم‌ها که توسط به شناسایی شده‌اند، عبارت‌اند از: تاژک، مراحل انعقاد خون و سیستم ایمنی. به معتقد است، تاژک مثل یک ساعت یا یک تله موش است، زیرا زمانی قادر به انجام کار است که لوله‌های کوچک و پروتئین‌های حرکتی و دیگر اجزایش به درستی تنظیم شده و دقیقاً به همان شیوه‌ای که باید ساخته می‌شدند، ساخته شده باشند. همچنین انعقاد خون هم در صورتی کار کرد خود را به درستی انجام می‌دهد که ترکیبات کلیدی اش یعنی ویتامین K و عامل انعقاد خون را دارا باشد.

حال از آنجایی که انتخاب طبیعی فقط می‌تواند سیستمی را که از قبل در حال کار کردن است، انتخاب کند، اگر سیستمی زیست‌شناسی نتواند به تدریج تولید شود (مثل همین سیستم‌های مورد بحث)، انتخاب طبیعی در آن اثری ندارد و باید به عنوان واحدی انسجام یافته در یک مرحله نه به تدریج لحاظ شود. بنابراین به نظر می‌رسد طرح هوشمند برای وجود جاندارانی با تاژک‌های دارای کارکرد عالی تبیین بهتری باشد (Himma).

برهان از طریق پیچیدگی خاص⁶ (برهان ویلیام آلبرت بیل دمسکی)

دمسکی (1960)، ریاضیدان، فیلسوف، متکلم و یکی از طرفداران طرح هوشمند است. وی از طریق مفهوم پیچیدگی خاص، که آن را در پایان نامه دکترای تخصصی خود «استنباط طرح» شرح داده است، یکی از تقریرهای برهان طرح هوشمند را اقامه کرده است. وی پیچیدگی خاص را نوعی اطلاع می‌داند که احتمال رخداد طبیعی آن 1 به 10 به توان 150 است و از این جهت، مشخصه طراحی هوشمند است. برای روشن شدن این مفهوم، وی مثال‌هایی را ذکر کرده است. از جمله اینکه یک حرف از حروف الفبا خاص است، ولی پیچیده نیست. یک جمله طولانی از حروف اتفاقی پیچیده است ولی خاص نیست. یک غزل از شکسپیر هم پیچیده است و هم خاص. سپس او اظهار می‌کند که جزئیات موجودات زنده هم می‌توانند همانند چیزهایی که گفتیم توصیف شوند، خصوصاً الگوهای زنجیره‌های مولکولی در مولکول‌های زیست‌شناسی کارآمد مثل DNA بنابراین وقتی چیزی دارای پیچیدگی خاص است (یعنی هم پیچیده است و هم خاص) و هم خاص است و هم پیچیده است (یعنی طراحی شده) نه از طریق فرایندهای طبیعی (ibid) و برای اطلاع بیشتر رک: http://en.wikipedia.org/wiki/Intelligent_design.

برهان از طریق اطلاعات زیست‌شناختی⁷ (برهان استفان سی. می‌یو)

برهان از طریق اطلاعات زیست‌شناختی توجه خود را به مسئله پیدایش موجودات زنده در بادی امر معطوف کرده است. این برهان درصدد تبیین اشکال نخستین حیات است یا به عبارت دیگر

در پی تبیین چگونگی امتداد جهان از محلی بدون موجودات زنده به محلی دارای موجودات زنده است. می‌یر چهار تبیین مطرح برای منشأ اطلاعات، یعنی صدفه، شکل پیش از حیات انتخاب طبیعی، خود تنظیمی (ضرورت شیمیایی) و طرح هوشمند را بررسی کرده است (*ibid*) و در نهایت بار د شدن سه تبیین فوق، به اعتقاد او تنها ذهن یا خرد قادر به خلق یک سیستم حاوی اطلاعات فراوان از قبیل مناطق کد گذاری شده در DNA و سلول به طور کلی است. بنابراین شخص می‌تواند از طریق حضور یک معلول سرشار از اطلاع، عمل پیشین یک علت هوشمند را تشخیص دهد، حتی اگر خود علت نتواند به طور مستقیم مشاهده شود (*ibid*) و برای اطلاع بیشتر رک. http://en.wikipedia.org/wiki/Stephen_C._Meyer.

تغییر مواضع آنتونی فلو

آنتونی فلو پس از حدود 50 سال طی طریق کردن در وادی الحاد، در ژانویه 2004 میلادی اعلام کرد که الحاد را رها کرده و وجود خداوند را پذیرفته است. فلو خود تأکید دارد که گرایش او به ایمان، به نحو تدریجی و بر اثر تأمل و تدبیر یافته‌های علمی در خصوص جنبه‌های پیچیده واقعیت حاصل شده است. یافته‌های علمی جدید نشان می‌دهند که جهان پیچیده‌تر از آن است که اندیشمندان در گذشته تصور می‌کردند و چنین جهانی نمی‌تواند به خودی خود پدید آمده باشد و بلکه مخلوق موجودی بسیار هوشمند است. از جمله او به تحقیقاتی که در خصوص مولکول DNA صورت گرفته اشاره می‌کند و این گونه استدلال می‌کند که پیچیدگی بیش از حد ترتیبات خاصی که این مولکول را برای شکل دادن به حیات مهیا می‌سازد، حاکی از آن است که موجود هوشمندی در این میانه تأثیر گذار بوده است (Flew, P.12). فلو خود در این باره می‌گوید:

یگانه و تنها بینة مناسب من [برای اثبات خدایی ارسطویی] عدم امکان آشکار فراهم آوردن نظریه‌ای طبیعت گرایانه در باره منشأ DNA در خصوص اولین گونه‌های [دارای قدرت] تولید دوباره است. [در واقع] تنها دلیلی که من برای شروع اعتقاد به یک خدای علت اولایی دارم عدم امکان فراهم آوردن تبیینی طبیعت گرایانه در باره منشأ اولین موجودات زنده [دارای قدرت] تولید دوباره است (عبداللہی، ص 296 و 297 و برای اطلاع بیشتر رک. Richard به آدرس:

<http://www.secweb.org/index.aspx?action=viewAsset&id=369>

فلو در مقدمه جدیدش بر چاپ اخیر کتاب *خدا و فلسفه* از فصل آخر (چهاردهم) کتاب *منشأ انواع* داروین این گونه نقل می کند که:

تمثیل من را یک قدم به پیش برد، یعنی من را به این اعتقاد سوق داد که همه حیوانات و گیاهان از یک نمونه نخستین نشأت گرفته اند. بنابراین باید از این تمثیل نتیجه بگیرم که احتمالاً همه موجودات زنده ای که روی زمین زندگی کرده اند، از شکلی ابتدایی که زندگی اول بار در آن منتشر شده است، نشأت گرفته اند (Flew, p. 11).

بنابراین به اعتقاد فلو حتی خود داروین هم در فصل چهاردهم کتاب *منشأ انواع* خود خاطر نشان کرده است که کل استدلال او با موجودی که قبلاً دارای قدرت تولید مثل بوده آغاز می شود و این همان مخلوقی است که یک نظریه تکامل واقعاً جامع باید در باره تکامل آن تبیینی اقامه کند و خود داروین می دانست که چنین تبیینی ارائه نکرده است - چنان که در فصل دوم در این مورد به تفصیل سخن گفتیم - و از قرار معلوم داروین خود معتقد بوده است که احتمالاً همه موجودات زنده ای که در زمین زندگی می کنند از یک صورت اولیه ای که حیات، نخستین بار در او دمیده شده است، نشأت گرفته اند (عبداللهی، ص 297-296).

به اعتقاد فلو با وجود عدم امکان فراهم کردن تبیینی طبیعت گرایانه، امکان فراهم آوردن تبیینی دیگر در این مورد وجود دارد. فلو در نامه ای به ریچارد کریر در 29 دسامبر 2004 در این مورد این گونه نوشته است که:

یک خدا یا یک هوش عالی، تنها تبیین خوب برای منشأ زندگی و پیچیدگی طبیعت است. من حالا می فهمم نادان بوده ام که فکر می کردم هیچ نظریه قابل ارائه ای در باره بسط ماده بی جان به اولین مخلوق زنده دارای قابلیت تولید مثل وجود ندارد (Richard, Carrier. Antony Flew considers God ... sort of).

این تبیین از نظر فلو و به تعبیر او برهان برای طرح (برهان غایت شناختی) است و تنها این برهان است که وجود خداوند را محتمل نشان می دهد.

نتیجه

با توجه به مطالب ذکر شده در جای جای مقاله، این امر کاملاً هویدا است که برهان غایت شناختی، با وجود طی کردن فراز و نشیب های مختلف و مورد انتقاد قرار گرفتن، همچنان از جذاب ترین براهین اثبات وجود خداست. شاید دو دلیل اصلی این امر را بتوان به صورت ذیل خلاصه کرد که:

اولاً: تجربی بودن مقدمه اول این برهان، یعنی اثبات نظم در جهان، که فهم این برهان توسط اقشار مختلف مردم را موجب شده است.

ثانیاً: پویا بودن این برهان، به این معنا که با پیشرفت علم، اسرار نظام‌مند موجودات بیشتر کشف می‌شود و انسان بیش از پیش مبهوت این ساختارهای پیچیده می‌گردد و به تبع آن، این برهان با هر پیشرفت در دانش بشر در مورد پیچیدگی طبیعت و آثار آن، قوی‌تر می‌شود.

در واقع به نظر می‌رسد که تقریرهای سنتی این برهان با وجود تنوع فراوان و دارا بودن برخی نقاط قوت، نسبت به تقریرهای نوین این برهان نقاط ضعف بیشتری دارد. دلیل این امر بیشتر مبتنی بر تمثیل بودن تقریرهای سنتی است، به طوری که همین امر موجب مورد انتقاد قرار گرفتن فراوان این تقریرها از سوی برخی از اندیشمندان شده است، ولی تقریرهای نوین با وجود وارد آمدن برخی انتقادات به آنها، در مقایسه با تقریرهای سنتی به چند دلیل از نقاط قوت بیشتری برخوردارند. نخست اینکه این تقریرها به جای مبتنی بر تمثیل بودن، مبتنی بر استقراء هستند، به این معنا که ارائه دهندگان این تقریرها برای اثبات مقدمه دوم برهان (هر نظامی ناظمی دارد) به روش استقرایی توسط جسم‌ته‌اند و مدعی شده‌اند که از استقرای موارد مختلف می‌توان نتیجه گرفت که هر پدیده منظمی نیازمند ناظم است و همین امر دست کم تقریرهای نوین را از گزند انتقادات وارد شده به تقریرهای سنتی مبتنی بر تمثیل مصون نگه می‌دارد. دوم اینکه تقریرهای نوین بر پیشرفت‌های علمی جدید در حوزه علم فیزیک و بخصوص زیست‌شناسی و بیوشیمی مبتنی هستند، به گونه‌ای که این امر از عناوین آنها یعنی برهان تنظیم ظریف، برهان بر اساس پیچیدگی کاهش ناپذیر و پیچیدگی خاص و برهان مبتنی بر اطلاعات زیست‌شناختی هویدا است. در واقع از آنجا که تقریرهای نوین موجب تغییر مواضع فلو و اعتقاد او به خدا شده‌اند و همین بهره‌گیری آنها از یافته‌های علمی جدید بخصوص در زمینه DNA به گفته خود فلو منجر به چنین تحولی شده است، این مورد یعنی مبتنی بودن آنها بر یافته‌های علمی جدید، خود گویای قوت آنهاست، به خصوص برهان مبتنی بر اطلاعات زیست‌شناختی که حتی از براهین دیگر قوی‌تر به نظر می‌رسد.

در واقع در کنار قوت تقریرهای نوین دیگر، برهان غایت‌شناختی مبتنی بر اطلاعات زیست‌شناختی، به حقیقت برهانی قوی است و با وجود ارائه آن توسط فردی بیوشیمیدان و کاربرد

اصطلاحات زیست‌شناسی در آن، حتی افرادی را که اطلاعات چندانی در مورد علم زیست‌شناسی ندارند تحت تأثیر قرار می‌دهد، چرا که حتی توجه اندکی به پیچیدگی موجود در ساختار عوامل ژنتیک یعنی همان DNA و RNA، کاملاً نشان می‌دهد که خلق یک سیستم حاوی اطلاعات فراوان از قبیل مناطق کدگذاری شده در DNA، پروتئین‌های کارآمد و سلول به طور کلی تنها از طریق ذهن یا خرد ممکن است. حال توجه به این امر که این برهان فردی ملحد را چنان تحت تأثیر قرار داده که از الحاد دست برداشته و به خدا اعتقاد یافته است، مسلماً قوت این برهان را بیشتر جلوه می‌دهد.

از تأثیر برهان بر فلو که بگذریم، نفس تغییر موضع فردی که همواره در طول حیات علمی خود به انکار خدا پرداخته و در دانشکده‌ها جدل کرده است که نمی‌توان به وجود خدا ایمان داشت و اعتقاد آوردنش به خدای ارسطویی، با وجود مورد انتقاد قرار گرفتن توسط برخی از ملحدین، خود در خور تأمل و تقدیر است، زیرا این امر حاکی از این است که اجزای نظام فکر فلو به گونه‌ای تعبیه شده‌اند که این اجازه را به او بدهند که هر زمان گزاره‌های بهتری را دید، حتی برخلاف نظرگاه اصلی‌اش، آن را انتخاب کند و بر اساس آن دیدگاهش را تغییر دهد و این تحسین برانگیز است و ادعای برخی مبنی بر اینکه این امر را به کبر سن و از دست دادن مشاعر او نسبت داده‌اند، نمی‌تواند درست باشد.

البته این امر یعنی تحسین برانگیز بودن اعتقاد آوردن فلو به خدای ارسطویی، به معنای مورد تأیید بودن کار فلو یعنی عدم پذیرش دین نیست، ولی چنانکه همه می‌دانیم راه‌های رسیدن به خداوند به عدد نفوس خلاق است و همین اعتقاد یافتن او به خدا آن هم پس از پنجاه سال الحاد گویای نوعی توجه خداوند به اوست و حال خدایی که بندگانش را هیچ‌گاه رها نمی‌کند و با وجود غفلت آنها از او، آنها را هرگز فراموش نمی‌کند، اگر کسی را تا به اینجا یاری کرده، او را برای پذیرش دین هم یاری خواهد کرد، البته با توجه به این امر که او نیز خود باید با تلاش خود زمینه پذیرش آن را در خود ایجاد کند.

توضیحات

1. کتاب *God and Philosophy* اثر آنتونی فلو اولین بار در سال 1966 منتشر شد و تاکنون چهاربار تجدید چاپ شده است. طبق گفته‌ی او این کتاب در اولین قدم تلاشی برای ارائه

و بررسی قوی‌ترین دلیل ممکن برای اعتقاد به خداست و هدف اصلی این کتاب بسط و بررسی دلیل خداآوری مسیحی است و هدف دوم فراهم آوردن مقدمه‌ای برای فلسفه دین است. برای اطلاع بیشتر در این مورد رک. flew,p 19,23,28-29.

2. Fined - tuned Universe Arguments
3. The Argument from Suspicious Improbabilities
4. The Confirmatory Argument
5. The Argument from Irreducible Biochemical Complexity
6. The Argument from Specified Complexity
7. The Argument from Biological Information

منابع

- آسیموف، آیزاک، *DNA*، ترجمه محمد علی شمیم، چ 3، تهران، فاطمی، 1374.
- امتیازی، گیتی، محسن کریمی، مبانی زیست مولکولی و مهندسی ژنتیک، چ 3، اصفهان، مانی، 1380.
- پترسون، مایکل و دیگران، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چ 3، تهران، طرح نو، 1379.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، *خدا در فلسفه (برهان‌های فلسفی اثبات وجود باری)*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1370.
- داروین، چارلز، *منشأ انواع*، ترجمه نورالدین فرهیخته، تهران، شبگیر، 1357.
- صمدی، علی افضل، *افسانه زندگی تحول جهانی تا ارتقا به نهایت ادراک*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1377.
- عبداللهی، محمدعلی، "هجرت از الحاد به خداآوری"، *نقد و نظر*، شماره سوم و چهارم، مکان نشر، پاییز و زمستان 1384.
- فرامرز قراملکی، احد، *موضع علم و دین در خلقت انسان*، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، 1373.
- یزدی، ابراهیم، *مبانی ژنتیک مولکولی*، چ 2، تهران، انتشارات اطلاعات، 1373.

Flew, Antony ; *God and Philosophy* , Prometheus Books, Amherst , New York , 2005.

Swinburne, Richard ; *The Existence of God* ,Oxford University Press , United States, New York,2004 . .

Himma, Kenneth Einar, "Design Arguments for the Existence of God", 2006,
The Internet Encyclopedia of Philosophy , <http://www.iep.utm.edu/design>
Richard, Carrier. Antony Flew considers God ... sort of
<http://www.secweb.org/index.aspx?action=viewAsset&id=369>
http://en.wikipedia.org/wiki/Intelligent_design
http://en.wikipedia.org/wiki/Teleological_argument
http://en.wikipedia.org/wiki/Stephen_C._Meyer
<http://www.philosophyofreligion.info/teleological.html>

